

سپهرغرب، گروه اندیشه: یکی از مسائلی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار فرماندهان و کارکنان تیسروی هوایی ارتش (۱۳۹۸/۱۱/۱۹) مطرح کردند، توجه به «رزق لا یحتسب الاهی» بود؛ ایشان با استناد به آیه دو و سه سوره طلاق، بیعت نیروی هوایی طاغوت با امام در سال ۵۷ را از مصادیق رزق لا یحتسب معرفی کردند و فرمودند: ممکن است دشمن از جایی ضربه بخورد که انتظار ندارد و شما که بنده خدا و مؤمن بالله و در راه صراط مستقیم هستید، از جایی برایتان عایدی به‌وجود باید که «رزق لا یحتسب» باشد و انتظارش را نداشته باشید. به نظر من این خیلی نکته اساسی‌ای است که ما توجه کنیم همه حوادث عالم براساس محاسبات مادی و دنیایی نیست؛ این هم جزء محاسبات است که گاهی اوقات خدای متعال یک راه ماینر را به‌وجود می‌آورد.

مبانی اندیشه‌ای و سلوک رفتاری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بهره‌ای از کتاب خدا در مدیریت جامعه است، ایشان همواره در «نظر» و «عمل» و در حوزه‌های مختلف، به «آیات قرآن کریم» استناد می‌کنند. استنادی که از اعتقاد به «محوریت» این کتاب آسمانی نشأت گرفته و طراز مطلوبی از «حجیت»، «حقانیت» و «موقیقت» را نتیجه داده است.

در همین راستا دو آیه شریفه «وَمِنْ مَّتَىٰ إِلَٰهَ يَجْعَلَ لَّهُ مَخْرَجًا وَبِرِّقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَىٰ إِلَٰهٍ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق/۲۳ و ۲) آیاتی هستند که از ابتدای رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تا امروز، در مقاطع مختلف و به مناسبت‌های گوناگون، بارها مورد استناد ایشان قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان با لحاظ مجموع این استنادات، به یک منظومه جامع فکری درباره «رزق لا یحتسب» دست یافت.

چستی رزق لا یحتسب» و هویت آن
«رزق لا یحتسب» یکی از مفاهیم مهم مطرح در مجموعه معارف اسلامی است؛ مفهومی که از آن به‌عنوان نتیجه «تقوا» و زمینه‌ساز «موقیقت» و «سعادت» یاد شده است. (۱) «رزق لا یحتسب» یعنی «نتایج غیر منتظره»، «راه‌های ماینر» (۲) و «روزی‌های محاسبه‌نشده» (۳) که از «فعل‌وافعلات» غیبی» (۴) و «عوامل غیر عادی، غیر مادی و غیر دنیایی» (۵) نشأت گرفته‌اند.

جرای «رزق لا یحتسب» و ضرورت توجه به آن
با توجه به «صدق وعده الهی» (۶) و تجربه مکرر این حقیقت (از یک‌سو و «محدودیتهای مطرح بشری» موجود در مسیر زندگی از سوی دیگر (۸)، باید به پدیده «رزق لا یحتسب» یاور داشته (۹) و برای «تحلیل حوادث»، «خذ تصمیم» و «تدبیر آینده»، علاوه بر «محاسبات عقلانی»، به این «متغیر تعیین‌کننده» نیز توجه کرد. (۱۰)

چگونگی «رزق لا یحتسب» و کیفیت دستیابی به آن
اموری همچون «ایمان»، «توکل»، «پابیندی به حق»، «قدم برداشتن در راه خدا»، «تحمل سختی‌ها»، «مجاهدت»، «مبارزه»، «ایستادگی»، «صداقت»، «کار»، «تلاش»، «انجام وظیفه»، «خدمت‌گزاری» و از همه مهم‌تر «تقوا»، نتایجی همچون «کمک‌های الهی»، «هدایت الهی»، «لطف الهی»، «تفضل الهی»، «حمایت الهی»، «رحمت الهی»، «برکت الهی»، «رستگاری»، «دستیابی به اهداف»، «گشایش»، «آسایش»، «حل مشکلات»، «تشخیص حق»، «صبریت»، «تجاعت»، «خروج از تنگناها»، «یجاد گریز گاه» و «بن‌بست‌شکنی» را به دنبال خواهد داشت. (۱۱)

«تقوا» یعنی «مراقبت دائمی از خود» در مقابل «افیات و انحرافات» مراقبتی که مانند یک «زهر» از انسان در مقابل «تیرهای زهرآگین و ضربه‌های مهلک مادی و معنوی» محافظت می‌کند. (۱۲) «تقوا» هم وجهه «فردی» دارد، هم وجهه «جماعی». «تقوای اجتماعی» یعنی «حرکت عمومی مردم و مسئولان» برای «حفاظت از کشور» در مقابل «تهاجمات دشمن»؛ حرکت و حفاظتی که در «بعد اقتصادی» با «اقتصاد مقاومتی» محقق شده و به «گشایش‌های عظیم اجتماعی» منجر خواهد شد. (۱۳)

نمونه‌های از «رزق لا یحتسب»
جدای از مواردی همچون «جرعه‌های ناگهانی

«رزق لا یحتسب» و الگوی دینی «تحلیل»، «تصمیم» و «تدبیر»

ذهنی» در فضای کار و تحقیق یا «امیدهای وافر قلبی» در کوران مشکلات و فشارها (۱۴)، ملت ایران بارها و بارها در حوادث مختلف خاص و روشن از «رزق لا یحتسب» بهره‌مند شده و طعم شیرین آن را چشیده است. (۱۵) «اعتراف سازمان‌های بین‌المللی به حقانیت ایران در جنگ تحمیلی» یکی از مصادیق «رزق لا یحتسب» است. (۱۶) «بیعت همافران نیروی هوایی با امام» نیز یکی دیگر از مصادیق «رزق لا یحتسب» به‌شمار می‌رود؛ یعنی که با توجه به جایگاه خاص این نیرو در رژیم شاه، ضربه سهمگینی را به این رژیم وارد کرد. به بیان دیگر این بیعت از یک‌سو «ضربه محاسبه‌نشده‌ای» بود برای دشمن و از سوی دیگر «رزق محاسبه‌نشده‌ای» بود برای انقلابیون؛ ضربه‌ای که به تضعیف روحیه آنان (رزق) و تقویت روحیه ایان منجر شد. (۱۷)

حوادث خارق عادت، براساس نقل و عقل ثابت شده است

«نظام هستی» بر پایه «قانون علیت» استوار است؛ قانونی که «وچی»، «عقل»، «فطرت» و «تجربه»، مثبت آن بوده و تخطف‌ناپذیر است. (۱۸) در این نظام همه امور از «خداوند متعال» و «عالم توحید» نشأت گرفته و در یک «سیر نزولی و مخروطی» به «کثرت» می‌رسند. (۱۹)

هرچند که «عقل» و «قل»، بر «قانون علیت» صحه می‌پهند اما وقوع «حوادث خارق عادت» را نیز می‌پذیرند؛ حوادثی که از حیث «پنهان و فوری بودن فعل‌وافعالات» با «حوادث عادی» متفاوت بوده‌با «زوال طبیعی عالم طبع» سازگار به‌نظر نمی‌رسند. (۲۰)

براساس «گشش توحیدی»، خداوند متعال «مسببالاسباب» بوده و زمام همه علل به دست اوست. به بیان دیگر هیچ سببی در سببیت مستقل نبوده و سبب مستقلی جز خداوند قابل فرض نیست. بنابراین «اراده خداوند و اولیای او» بر همه اسباب تفوق دارد. (۲۱) «حوادث خارق عادت و خلاف معمول» حوادثی هستند که انسان‌های معمولی به علل و اسباب آن‌ها علم نداشته و به‌صورتی ناشناخته، از «اراده خداوند و اولیای او» ناشی می‌شوند. (۲۲) از آنجایی «حوادث خسارق عادت» و «امور غیبی» یا «نظام حسی و مادی شناخته‌شده برای اذهان بشری» سازگار نیستند، افرادی که صرفاً با «محسوسات» مانوس بوده و در دام «هادی‌نگری» گرفتارند، به انکار آن‌ها پرداخته و با این انکار از «توحید» فاصله می‌گیرند. در نگاه این افراد «حقایق معنوی موجود در نظام هستی»، هیچ معنایی نداشته و فقط آنچه با «حواس ظاهری» قابل تجربه و توجه است، واقعیت دارد. حال آنکه این نگاه از حیث هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مردود بوده و هیچ تناسبی با «آموزه‌های وحیانی» ندارد. (۲۳)

رزق الهی دو شکل عام و خاص دارد یکی از علوینی که در «ادبیات دینی» از آن برای اشاره به «مجموعه افاضات خالق به مخلوقات» استفاده می‌شود، عنوان «رزق» است. در این ادبیات از آنچه توسط خداوند به مخلوقات اعطا شده و موجب بهره‌مندی آن‌ها در ابعاد مختلف می‌شود، با عنوان «رزق» یاد شده است. (۲۴) براساس «آموزه‌های وحیانی»، «زراقت» منحصر در خداوند متعال بوده و او بهره‌مندی همه موجودات از جریان رزق را تضمین فرموده است. (۲۵) البته همچنان «رحمت الهی» به دو قسم «عام» و «خاص» تقسیم می‌شود، «رزق الهی» نیز چنین بوده و به دو شکل «عام» و «خاص» در اختیار خداوند قرار می‌گیرد. (۲۶)

یکی از مصادیق «رزق خاص الهی»، رزقی است که در «فرهنگ اسلامی» و «ادبیات دینی» از آن با عنوان «رزق لا یحتسب» یاد می‌شود؛ رزقی که مصداق «حوادث خارق عادت» بوده و از «طرق ناشناخته و محاسبه‌نشده»، به افرادی که واجد شرایط بهره‌مندی از آن هستند، می‌رسد. همچنین گفتنی است که از این حقیقت، گاه با عنوان «برکت» نیز یاد می‌شود. (۲۷)

تقوا و توکل شرط‌های بهره‌مندی از «رزق لا یحتسب» است

شرط بهره‌مندی از «رزق لا یحتسب»، «تقوا» است؛ تقوایی که با «توکل» ملازم بوده (۲۸) و

«دست برتر» در همه منازعات را به دنبال دارد. (۲۹) «تقوا» یعنی «پرهیز از محرمات الهی و رعایت حدود شرعی»، «توکل» نیز یعنی: «مقدم داشتن اراده و میل خداوند بر اراده و میل خود». نتیجه آنکه: فرد متقی و متوکل، به‌واسطه «تحصیل معرفت الهی»، «طااعت از خداوند» و «مستهلک کردن اراده خویش در اراده الهی»، خود را تحت «ولایت خاص پروردگار عالم» قرار داده و از برکات مدیریت و تدبیر متعالی او ازجمله «رزق لا یحتسب»، بهره‌مند می‌شود. (۳۰)

به بیان دیگر «تقوا» و «توکل» یعنی: «تکیه بر خالق» در مقابل تکیه بر مخلوق (۳۱)، «اعتماد به پروردگار» در مقابل اعتماد به امور مادی (۳۲)، «انقطاع به سمت خداوند» در مقابل انقطاع به سمت دنیا (۳۳)، «ترجیح خواست‌مبود» در مقابل ترجیح خواست خود (۳۴) و «ترسیدن از قادر متعال» در مقابل ترسیدن از غیر او. (۳۵)

کسی که اهل «تقوا»، «توکل» و بهره‌مندی از «ولایت خاص الهی» نیست، به «زراقت خداوند» و قدرت بی‌نتهای او باور ندارد، رزق خود را حاصل دسترنج خویش به حساب می‌آورد و صرفاً به مقدار محدودی از اسباب ظاهری تکیه می‌کند؛ اما انسان متقی و متوکل، می‌داند که خداوند «مسببالاسباب» است، علم به همه اسباب در اختیار اوست، نظم و ترتیب اسباب به دست او بوده، سببیت اسباب از آن اوست و نه‌تنها هیچ محدودیتی در رزق‌رسانی به بنندگان خود ندارد، بلکه به شکل بی‌نهایت قادر بر «خلق طریق رزق‌رسانی» است. (۳۶)

بهره‌مندی انسان متقی و متوکل از «رزق لا یحتسب»، وعده‌ای که با توجه به «بی‌قیدشرط خداوند متعال است» وعده‌ای که با توجه به «مکار گزاردهای قرآنی» هیچ تخلفی در آن راه نخواهد داشت. (۳۷) با توجه به اینکه «رزق لا یحتسب» یکی از مصادیق «امور غیبی» بوده و «ایمان پسه غیب» جز در پرتو «تقوا» حاصل نمی‌شود، صرفاً به‌واسطه «تقوا» بوده که می‌توان از «رزق لا یحتسب» بهره‌مند شد. به بیان دیگر «تقوا» انسان را به «عالم غیب» پیوند زده و زمینه بهره‌مندی او از «افاضات غیبی خداوند خالق، مالک و عالم غیب» یا همان «رزق لا یحتسب» را فراهم می‌آورد. (۳۸)

منافات نداشتن با برنامه‌ریزی

تأکید بر ضرورت «تقوا» و لزوم زمینه‌سازی برای بهره‌مندی از «رزق لا یحتسب»، هیچ منافاتی با اعتقاد به ضرورت «برنامه‌ریزی»، «پیش‌بینی»، «محاسبه»، «کار» و «تلاش» ندارد. به بیان دیگر سفارش دین و اولیای دین به رعایت «تقوا» و بشارت انسان متقی به «رزق لا یحتسب»، هرگز به معنای نفی ضرورت «فکر» و «کار» نیست؛ (۳۹) و از همین روست که در معارف اسلامی علاوهبر توحید و «هد» (۴۰) و «احمال در طلب» (۴۱)، بر مطلوبیت اموری همچون، «یاری گرفتن از دنیا برای رسیدن به آخرت» (۴۲)، «طلب رزق» (۴۳)، «قرار گرفتن بر معرض رزوی» (۴۴)، «برنامه‌ریزی اقتصادی» (۴۵)، «درآمدزایی دینی» (۴۶)، «تهیه مایحتاج

و در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه در فرهنگ اسلامی و تفکر دینی مطالعه علمی را نوعی عبادت می‌دانستند، افزود: در قرون وسطا نیز این‌گونه بود، کسانی چون «بیون» و «لایب‌نیتس» چنین تفکری داشتند تا اینکه افسکار تجربه‌گرا به مفهوم پوزیتیویستی ایجاد شد. «هیوم» آمد و بعد به‌ندرت می‌بینیم که دین در غرب مطرح باشد. البته در همین قرن نوزدهم نیز برخی از مهم‌ترین عالمان متدین تمام‌عیار داشته‌ایم، اما اکثریت آن‌ها بی‌اعتنا به دین و فلسفه بوده‌اند تا نیمه دوم قرن بیستم که قضیه تغییر کرد و مکاتب مختلف فلسفه علم آمدند و برای مثال حتی یکی از مهم‌ترین فیزیک‌دانان زمان ما مقاله به پوزیتیویستی می‌نوید و ادعا می‌کند که این تفکر پیشرفت علم را عقب می‌اندازد.

بنیان‌گذار گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف افزود: فیزیک و فلسفه با باهم مخلوط شدند، به این معنی که اساتید هر دو رشته ارگانی را تشکیل داده و با یکدیگر تبادل نظر می‌کنند، اگر به کانال آکسفورد نگاه کنید و در مورد کیهان‌شناسی جست‌وجوی داشته باشیم، می‌بینیم که چهقدر

”

زندگی» (۴۷)، «تلاش برای تأمین خانواده» (۴۸) و عدم مطلوبیت اموری همچون: «خواب‌لودگی»، «بیکاری» (۴۹)، «تبلی» و «کسالت» (۵۰) تأکید شده است.

نتیجه

با توجه به مجموع آنچه بیان شد، می‌توان به این نتیجه مهم رسید که «رزق لا یحتسب یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در مدل دینی تحلیل، تصمیم و تدبیر به‌شمار می‌رود.» توضیح مطلب آنکه، در دنیای معاصر «مطالعات راهبردی»، «برنامه‌ریزی راهبردی»، «مدیریت راهبردی» و «پندم‌پژوهی»، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و «برتری» هر مجموعه‌ای در مقیاس‌های مختلف، به میزان توجه آن مجموعه به این «امور راهبردی» بستگی دارد و از همین رو است که در دمه‌های اخیر، سرمایه‌گذاری‌ها و تلاش‌های علمی و عملی فراوانی برای کشف معادلات حاکم بر این فضا صورت گرفته است. اما از آنجایی که اکثر قریب به اتفاق این تلاش‌ها بر پایه «مبانی غیر توحیدی و مادی» شکل گرفته‌اند، نتایج حاصل از آن‌ها نیز بهره چندانی از «کارآمدی و موقیقت» ندارند به‌عنوان مثال اگرچه در تمام مدل‌های ارائه‌شده برای «برنامه‌ریزی راهبردی»، بر ضرورت شناسایی «فرصتها»، «تهدیدها»، «قاط قوت» و «نقاط ضعف» تأکید می‌شود، اما در هیچ‌کدام از آن‌ها اشار‌هایی به «وجود عوامل موارء ماده و امکان اثرگذاری آن‌ها»، دیده نمی‌شود. حال آنکه با توجه به آنچه گذشت، لحاظ این عوامل برای «تحلیل حوادث»، «گرفتن تصمیم» و «تدبیر آینده» امری ضروری است. به بیان دیگر تحصیل شناخت صحیح از «شرایط موجود» و طراحی راهبردهای لازم برای رسیدن به «وضعیت مطلوب»، جز با درنظر گرفتن «مجموعه‌ای از عوامل مادی و فرامادی» که همگی آن‌ها در دایره «اراده الهی» عمل می‌کنند، ممکن نخواهد بود؛ عواملی که می‌توان آن‌ها را از طریق «تقوا» و «توکل» فعال کرده و به خدمت گرفت.

مهدی گلشنی:

علم‌آموزی در تفکر دینی عبادت است

فرهنگ اسلامی خود را فراموش کردیم

«رزق لا یحتسب»، «تحلیل»، «تصمیم» و «تدبیر»

پی‌نوشت:

۱) بیانات در دیددار فرماندهان و کارکنان نیروی

هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۹۸

۲) همان

۳) بیانات در دیددار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت، ۲/۶/۷۸

۴) بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۲۹/۶/۶۹

۵) بیانات در دیددار جمعی از ایتارگران و خانواده‌های شهید، ۲۹/۵/۷۶، بیانات در دیدار

فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۹۵

۶) بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۲۴/۲/۹۸

۷) بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس، ۲۳/۳/۹۶

۸) بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۴/۱۰/۷۸

۹) بیانات در دیددار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت، ۲/۶/۷۸

۱۰) بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی

هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۹۸، بیانات در دیدار فرماندهان

و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۹۸

۱۱) بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۲۹/۶/۶۹،

بیانات در دیدار جمعی از ایتارگران و خانواده‌های

شهید، ۲۹/۵/۷۶، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان

سپاه، ۲۶/۶/۷۶، بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات

قرآن، ۱/۹/۷۷، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

مجموح حادثه کبوی دانشگاه، ۴/۵/۷۸، بیانات در

دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت، ۲/۶/۷۸،

بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۴/۱۰/۷۸، بیانات

در دیدار کارگران در گروه صنعتی مینا، ۱۰/۲/۹۳،

بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۲۴/۲/۹۸

۱۲) بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۲/۴/۹۴

۱۳) بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۴/۱۰/۷۸،

بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۲/۴/۹۴

۱۴) بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی

مینا، ۱۰/۲/۹۳

۱۵) بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۲۹/۶/۶۹،

بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس، ۲۳/۳/۹۶

۱۶) بیانات در دیدار مسئولان وزارت کشور، ۲۷/۹/۰۰

۱۷) بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی

هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۹۵، بیانات در دیدار فرماندهان

و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۹۷، بیانات

در دیددار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش،

۱۹/۱۱/۹۸

۱۸) طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی

تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۴

۱۹) حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، رساله

نکاحیه، ص ۳۳۵

۲۰) طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی

تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۴

۲۱) همان، ص ۷۸

۲۲) همان، ص ۷۹

۲۳) همان، ص ۷۵ و ص ۸۸، حسینی طهرانی،

سیدمحمدحسین، رساله نکاحیه، ص ۳۳۵

۲۴) طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی

تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۳۷

۲۵) «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»،

(ذاریات/۵۸)، «فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تَعْوَدُونَ، فَوُ

رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْتَفِقُونَ»،

(ذاریات/۲۲ و ۲۳)

۲۶) طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی

تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۰

۲۷) «عَنِ السَّادِقِ (ع) وَ يَرْزُقُهُ مَنْ حَيْثُ لَا

يَحْتَسِبُ أَتَىٰ بِنَبَأٍ لَهُ فِيمَا أَنَاءَهُ» (بحارالأنوار، ج ۶۷،

ص ۲۸)

۲۸) «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ أَحْسَبَ أَنْ يَكُونَ

أَتَقَى النَّاسَ فَلَيَنْتَوِي عَنِّيَ اللَّهِ»، (روضة الواعظین و

بصيرة المتعظیلین، ج ۲، ص ۴۲۵)

۲۹) «قَالَ النَّبِیُّ (ع) مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْهُ

وَ مَنْ اقْتَضَمَ بِسَاحِلِهِ لَا يَهْزَمُ»، (بحارالأنوار، ج ۶۸، ص

۱۵۱)

۳۰) طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی

تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۱۳

۳۱) «قَالَ النَّبِیُّ (ص) يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا

مِنْ مَخْلُوقٍ يَتَعَصَّمُ بِمَخْلُوقٍ ذُوْنِی إِلَّا قُلْعَتْهُ أَنْسَابُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْ ذُوْنِهِ فَإِنْ سَأَلْنِی لَمْ أُعْطِهِ وَ إِنْ دَعَاْنِی لَمْ أُجِبْهُ وَ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَتَعَصَّمُ بِرِ ذُوْنٍ خَلْقِی إِلَّا ضَعُفَتْ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضُ رِزْقُهُ فَإِنْ سَأَلْنِی أُعْطِیْتُهُ وَ إِنْ دَعَاْنِی أَجِبْتُهُ وَ إِنْ اسْتَفْغَرْنِی غَفَرْتُ لَهُ».

(روضة‌الواعظین و بصیره‌المتعظیلین، ج ۲، ص ۴۲۶)

۳۲) «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَیْسَ الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا

بِاضَاعَةِ الْمَالِ وَ لَا تَحْرِیمِ الْخَلَالِ بِلِ الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا

أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْتَقَ مِنْكَ بِلِ عَبْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ» (وسائل‌الشيعه، ج ۱۷، ص ۳۵)

۳۳) «قَالَ (ص) مَنْ اقْطَعَ إِلَى اللَّهِ كَهَّهُ اللَّهُ مُؤْتِنَةً

وَ رِزْقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ اقْطَعَ إِلَى الدُّنْيَا

وَ كُلِّهَ إِلَيْهَا»، (روضة‌الواعظین و بصیره‌المتعظیلین، ج ۲،

ص ۴۲۶)

۳۴) «قَالَ أَبُو جَعْفَر ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ بِخَلْقَالِ وَ جَمَالِی وَ نِبَاتِنِی وَ عَلَانِی وَ غَلَانِی لَا يُؤْتِرُ عَبْدُ هَوَیِّ عَلِیْ هَوَآءِ إِلَّا جَعَلْتُ غَنَاءَ فِیْ نَفْسِهِ وَ هَمُّهُ فِیْ إِخْوَتِهِ وَ كَفَّتْ عَنْهُ ضَبِغَتُهُ وَ ضَمِنَتْ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضُ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ زَوَآءٍ يَخَازِوُ كُلَّ تَاجِرٍ».

(همان، ص ۴۳۱)

۳۵) «سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ الرِّضَا (ع) فَقَالَ لَهُ

جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا حَذَّ التَّوَكَّلُ فَقَالَ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ

أَخْدَا»، (همان، ص ۴۲۵)

۳۶) «وَ قَالَتْ الْيَهُودُ يَسُدُّ اللَّهُ مَفْلُوهَ غُلَّتْ أَيْدِيَهُمْ

وَ لَعُنُوا بِمَا قَالُوا» بَسَلِ يَدَاَهُ مَنْبَسُوطَاتٍ يُنْفِقُ كَيْفَ

يَشَاءُ» (مانده/۶۴)، «قُلْ إِنْ رِئِیْ یَسْطُرُ الرِّزْقُ لِعَمَلٍ

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَذَرُ لَهُ وَ مَا اتَّقَمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ

يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الزَّالِقِیْنَ» (سبأ/۳۹) طباطبائی،

سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص

۳۱۵، حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین،

امام‌شناسی، ج ۱۰، ص ۲۷۷

۳۷) «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ»، (آل‌عمران/۹)

«عَنِ امِیرِالمُؤْمِنِینِ علیه السلام لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ

الْأَرْضَ كَانَتَا عَلَى عَبْدٍ رِغْمًا ثُمَّ اتَّفَقَا لِلْجَلِّ لَئِنْ لَمْ يَمُنَّا

مَخْرُجًا وَ رِزْقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»، (عیون‌الحکم

و المواعظ، ص ۴۱۶)

۳۸) «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِیْنَ.

الَّذِیْنَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ یُعِیمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ» (بقرة/۲ و ۳)

۳۹) «عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الْغَزِیرِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو